

## تحلیل

## نسل چهارم حقوق بشر

**فانزه طباطبایی**

● کافی است انسانی به دنیا بیاید تا از حقوق بشر برخوردار شود؛ همان حقوقی که انسان‌ها به دلیل انسان‌بودن از آن برخوردارند. این حقوق از کرامت انسان پاسداری می‌کند؛ حقوقی جهانی که برای همه انسان‌ها بدون توجه به نژاد و قوم و ملیت یکسان است. در سال ۱۹۷۷ وقتی اولین دبیرکل [۱] مؤسسه بین‌المللی حقوق بشر در استراژبورگ فرانسه، سه نسل برای حقوق بشر تعریف کرد، شاید هرگز فکر نمی‌کرد که ۴۰ سال بعد، بشر به نسل چهارم حقوق خود فکر کند. تقسیم‌بندی نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر، تقسیم‌بندی بر مبنای سیر تحول تاریخی حقوق بشر بین‌المللی است؛ که شامل: حقوق مدنی و سیاسی (نسل اول)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم) و حقوق همبستگی

(نسل سوم) است. نسل اول بیشتر به حقوق فردی می‌پردازد و عمدتاً به آزادی بیان و عقیده و مذهب شناخته می‌شود؛ ولی شامل حقوقی مانند برابری در مقابل قانون، منع بردگی، ممنوعیت شکنجه، اصل برأت و حق تابعیت می‌شود. اینجا فرد مهم است و نقش دولت بیشتر دخالت‌نکردن در آزادی‌های فردی است و ایجاد سازوکاری برای اینکه آدم‌ها شکنجه نشوند، به بردگی کشیده نشوند و بی‌سرزمین نمانند. نسل دوم به حقوق فرد در جامعه می‌پردازد؛ مثل حق برخورداری از سلامتی، آموزش، پیورش، کار، بیمه و تأمین اجتماعی و زندگی شایسته. اینجا وظیفه دولت است که رفاه اجتماعی ایجاد کند؛ به‌نحوی‌که اتباعش بتوانند درس بخوانند، کار کنند، بیمه درمانی و بهداشت داشته باشند و از سطح زندگی استاندارد برخوردار باشند. نسل سوم، حقوق همبستگی یا جمعی است؛ مانند حق برخورداری از توسعه، صلح و محیط زیست سالم. این حقوق وقتی محقق می‌شود که حقوق دو نسل قبل محقق شده باشد. خوب که دقت می‌کنیم، می‌بینیم حق بر حیات، حق بر بهداشت و حق برخورداری از زندگی با استاندارد مقبول است که به انسان‌ها دیکته می‌کند محیط زیست باید سالم باشد، صلح حک یک حق همگانی است و توسعه فقط مال بعضی کشورها نیست. اینجا دیگر همه مدعی‌اند، هم ملت‌ها و هم دولت‌ها. همه باید برای حفظ پاکیزگی محیط زیست، برای صلح و برای توسعه تلاش کنند. همه یعنی هم ملت‌ها و هم دولت‌ها و همه باید پاسدار صلح و محیط زیست باشند. اما انقلاب چهارم صنعتی با دستاوردهای علمی و تکنولوژی موضوعات جدیدی مطرح کرد.

این دوره با ظهور فناوری‌های نوین در حوزه رایتیک، هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی، نانوتکنولوژی، پردازش کوانتومی، زیست‌فناوری، اینترنت اشیا و خودروهای خودران همراه بود. پیشرفت‌های پزشکی به ایجاد تغییر ژنتیکی، تولد نوزاد از زوجه نابارور و موح‌نگاری مغزی انجامید. تمام زندگی امروزه بشر وابسته به رایانه و اینترنت شده است. از نقل‌وانتقال مالی و تبادل و ذخیره اطلاعات گرفته تا رزروکردن بلیت قطار و هتل در کشوری دیگر. دوربین‌های مداربسته تقریباً همه‌جا وجود دارد. گوشی‌های هوشمند اطلاعات موجودی حساب، نقل‌وانتقال پول، تمدد اقسام‌هایی که پیموده‌اید، اطلاعات ارتباطی دوستان و همکاران ما را در خود جای داده‌اند. این فناوری‌های نوین اگرچه قرار است در خدمت بشر باشد و زندگی را برای انسان آسان‌تر کند؛ اما به طور بالقوه قابلیت‌های متحرکننده‌ای برای نقض حقوق بشر دارند. «نقض حریم خصوصی افراد به وسیله سیستم‌های اطلاعاتی و جاسوسی با ابزارهای نوین تکنولوژی یکی از همین موارد است. از این مجموعه داده‌ها برای پردازش الگوریتم‌هایی استفاده می‌شود که به طور فرآیندهای قادر به پیش‌بینی و حتی دست‌کاری رفتارهای انسانی هستند. به‌عنوان مثال هوش مصنوعی هیجانی نه‌تنها به دنبال درک این است که بفهمد مردم چه زمانی خوشحال یا غمگین می‌شوند؛ بلکه به تأثیر استراتژیک بر روحیه آنها نیز می‌پردازد. تصور کنید که آینه حمام یا آئومبیل این قابلیت را داشته باشد که غمگین‌بودن یا عصبانی‌بودن انسان را درک کند و بعد بتواند مردم را سر ذوق بیاورد یا آنها را آرام کند یا حتی هوشیاری آنها را بیشتر کند و همه این تغییرات در سطح ناخودآگاه و با دست‌کاری صدا، دما یا با ایما و اشاره انجام شود.

حالا تصور کنید که این فناوری در اختیار یک دیکتاتور گذاشته شود. حتی اگر این فرایند به شکل قانونی انجام شود، نسل‌های بعدی را در معرض ابزارهای جدید کنترلی قرار می‌دهد که دیگر حرفی برای گفتن نخواهند داشت.» [۲] به همه اینها اضافه کنید امکان گذاشتن جنین انسان در بدن یک حیوان و برعکس یا امکان دست‌کاری ژنتیکی انسان‌ها را، ترسناک نیست؟ لازم نیست فکری برای نقض حقوق اساسی بشر به وسیله دستاوردهای علمی و تکنولوژی کرده‌! حالا چند سالی است که درباره نسل چهارم حقوق بشر صحبت می‌شود؛ نسلی که شاید بتوان این‌نام را برایش برگزید «مراقبت از کرامت انسانی در مقابل پیشرفت علم و تکنولوژی».

1-karel Vasak, “Human rights: A thirty year struggle. The sustained efforts to give force of law to the Universal Declaration of Human Rights”. UNESCO Courier, 30:11 2-Time for a Fourth Generation of Human Rights?Mar 2018 Authors: Changrok Soh, Daniel Connolly and Seunghyun Nam

# روزنامه شگرق

یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۹

۲۵ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۹ آوریل ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۹۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۰۰ • اذان صبح فردا ۴:۵۵ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

## روزنامه‌فرو

کارتون خواب



جیتت کاستانا



تجربه دیگران

## گل رز در میدان جنگ

بخش زنان سازمان ملل متحد گزارشی از فعالیت‌های زنان در یکی از روستاهای چین در اوج کرونا منتشر کرده است. در این گزارش به فعالیت زنانی که در کارهای مدیریتی شرکت کرده‌اند اشاره شده است؛ زنانی که شاید در کمتر جایی به آنها توجه می‌شود و تلاش‌های کوچک‌ویزرگشان دیده می‌شود. در ژانویه سال ۲۰۲۰، بیساری همه‌گیر کرونا در سراسر چین گسترش یافت. از ۴۲,۶۰۰ فعال بخش خدمات پزشکی اعزام‌شده به استان، دو‌سوم؛ یعنی ( ۲۸ هزار) نفر آنها زن بودند که به آنها «گل رز در میدان جنگ» لقب داده‌اند.

از سوی دیگر زنانی بدون هیچ‌گونه سابقه دانش پزشکی نیز به این داوطلبان پیوسته و داوطلب نقش‌های حیاتی در سایر استان‌ها شده‌اند؛ مثلاً در دهکده روستایی چینگهای چین، یان شنگلیان ۴۵ ساله مدیریت تیمی را در برابر این بیماری برعهده گرفت. از وظایف روزانه‌اش این بود که در صف مقدم قرار می‌گرفت و هر کسی که وارد روستا یا از آن خارج می‌شد، دمای بدنش را بررسی کرده و اطلاعات وسیله نقلیه‌اش را ثبت می‌کرد. افراد داوطلب همچنین از برگزاری هرگونه اجتماع روستاییان خودداری می‌کردند؛ فعالیت‌هایی به نظر کوچک که از گسترش کرونا در این دهکده جلوگیری کرد.

شاید انجام این حرکت‌ها چند سال پیش اتفاق نمی‌افتاد. شنگلیان مانند بسیاری از زنان روستای خود معتقد بود شرکت در امور عمومی کاری مردانه است، اما نظراتش پس از شرکت در یک برنامه زنان سازمان ملل در زمینه جنسیت و تغییرات آب‌وهوایی، تغییر کرده بود. شنگلیان به‌عنوان یک دامداز، در سال ۲۰۱۹ در جلسات آموزش مهارت شرکت کرد و علاوه‌بر اینکه مهارت‌هایش در زمینه پرورش دام به صورت ارگانیک افزایش یافت، توانست دانسته‌هایی درباره کاهش هزینه‌های تولید و نحوه فروش بهتر با استفاده از سیستم‌عامل‌های نوآورانه آنلاین یاد بگیرد. این برنامه همچنین آگاهی جنسیتی و آموزش رهبری را به زنان ارائه می‌داد که به نظر می‌رسد به اندازه کافی برای «یاد» مفید بوده تا در این روزگار بحران وارد عمل شود. او وقتی برای شرکت در سمینار زنان کارآفرین به پکن پرواز می‌کرد، برای اولین‌بار بود که سوار هواپیمای و از استان خود خارج می‌شد. در پکن با ۲۰ زن کارآفرین از سراسر چین ملاقات کرد و از آنها یاد گرفت و تجربیات خود را به اشتراک گذاشت. شنگلیان پس از بازگشت از

# فرصت خلوت‌اندیشی در دوران حبس بهداشتی



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

شکی نیست که انسان موجودی اجتماعی است. بنابراین مجازاتی سخت‌تر از این نخواهد بود که فردی را از جمع خود جدا و او را به طور ناگهانی، ناخواسته و غیرمنتظره از معاشرت‌های خوگرفته محروم کنند و به زنان انفرادی ببندازند. شکی نیست برای چنین کسی آسان نخواهد بود که بر ترس‌ها، اضطراب‌ها و سراسیمگی حاصل از تنهایی ناخواسته و غافلگیرانه فائق آید. بدیهی است هرچه دوران این حبس انفرادی طولانی‌تر باشد، اثرات ناخوشایندتری از نظر کارکرد مغزی ایجاد می‌شود. چنین افرادی ممکن است به انواع توهمات و هذیان‌ها و اختلال در هوشیاری، قضاوت، تصمیم‌گیری، اراده و اختیار مبتلا شوند. گزارش‌های علمی معتبر در این خصوص کم نداریم و بسیاری از درندگان عقیدتی- سیاسی نیز گزارش‌هایی هولناک را در این‌باره روایت کرده‌اند. اما این تنها زندان نیست که کارکرد مغز آدم‌ها را دچار اختلال می‌کند، بلکه زندگی در اجتماعات ناعادانه و نابرابر، اغلب خالی از عذوق‌ت لازم در جهان سرمایه‌داری امروز نیز باعث احساس تنهایی مزمن و مسرری در مغز بیش از یک‌چهارم افراد به طور مزمن می‌شود. جان کاجیوپو، مغزپژوه اجتماعی آمریکایی، پس از مدت‌ها پژوهش به این نتیجه رسید که آثار زیان‌بار احساس تنهایی مزمن در جوامع امروز، آن‌چنان در مغز عمیق است که می‌تواند بر دستگاه ایمنی انسان نیز تأثیراتی مخرب به‌جا بگذارد و مرگ‌ومیر را بالا ببرد. می‌دانیم تشکیلات هیجانی- عاطفی، در عجز ما جا دارد و اختلال در فعالیت آن می‌تواند تشکیلات ایمنی بدن ما را هم دچار نابسامانی جبران‌ناپذیری کند. اگر به اخبار این روزهای همه‌گیری ویروس کرونا توجه کنید، متوجه می‌شوید بیشترین آمار مرگ‌ومیر در میان افراد مسنی است که در تنهایی مزمن و اغلب در خانه سالمندان زندگی می‌کنند. البته این احساس تنهایی مزمن آسیب‌رسان، با انواع تنهایی موقتی و خلوت یا عزلت‌گزینی‌های انتخابی فرقی عمده

دارد. هنگام خلوت‌گزینی‌های انتخابی، مغز مهیای انزوا برای انجام کاری خاص است که قبل‌وقال معمول زندگی در میان جمع، می‌تواند مانع آن کار مهم باشد. آنتونی استور، روان‌پزشک معروف انگلیسی، کتابی به نام خلوت‌گزینی (solitude) دارد که در سال ۱۹۸۸ منتشر شده است. در این کتاب، استور ابتدا به اهمیت ارتباطات انسانی در زندگی معمول می‌پردازد. سپس ظرفیت بشر برای تحمل تنهایی را به بحث می‌گذارد. به انواع عزلت‌گزینی‌های اختیاری و اجباری می‌پردازد و در این میان بر دامن زده‌شدن به قدرت خیال و اندیشه هنگام خلوت‌گزینی اختیاری تأکید می‌کند. اندیشه‌ورزانی را مثال می‌زند که به خلوت‌گزینی شهره بودند، همچون دکارت، نیوتون، لاک، پاسکال، اسپینوزا، کانت، لاینیتر، شوپنهاور، نیچه، کیرکه گارد و ویتگنشتاین. حال در زمانه‌ای که همه‌گیری ویروس کرونا انواع قرنطینه‌ها و حبس‌های بهداشتی را بر جوامع بشری بر سرتاسر دنیا تحمیل کرده است، با وجود همه نابسامانی‌ها، مصائب و فجاج به‌جاگزارنده، اغلب برای اقبال آسیب‌پذیر و فرودست جوامع، شاید شرایطی هم برای خلوت‌گزینی‌متفکران امروزی مهیا شده باشد. کاترین مالاپو در جدیدترین نوشته خود، قرنطینه در قرنطینه، به اهمیت خلوت‌گزینی در انزوا‌ی این دوران برای پیوستن معنادارتر و ریشه‌دارتر به دیگری (جمع)، تأکید دارد. در این نوشته مالاپو اصرار دارد به ما بفهماند که خلوت‌گزینی در دوران قرنطینه برای انزواجویی و تسلیم‌شدن به فردیت‌گرایی لیبرالی از نظر سیاسی نیست، بلکه نوعی نزدیک‌شدن به دنیای تمامی آنهایی است که به نحوی در قرنطینه بهداشتی در انزوا به‌سرمی‌برند. اگر با پیشینه تفکر فلسفی مالاپو آشنا باشیم، درمی‌یابیم که اشاره او به این خلوت‌گزینی ناشی از توجه او به جریان عاطفی ناگهانه در تشکیلات عمیق مغزی است که در پیوند با بدن در جریان تأمین پایداری حیات فردی شکل می‌گیرد. این تشکیلات دور از ذهن آگاه، در ضمن مقدمات شکل‌گیری خوشتن آگاه و عاملیت ذهنی را در مغز ما مهیا می‌کند و از طرف دیگر بدن انسان را از نظر عاطفی پذیرای دیگری می‌کند و تشکیلات اجتماعی و سیاسی شود. این نوع زندگی به خوشتن بیولوژیکی‌سی را مالاپو از مغزپژوهانی همچون داماسیو آموخته است. البته این وضوح را در نوشته کوتاه اخیر او

تلنگر

## حمایت از خانواده‌های بازماندگان، یک اجبار است، نه اختیار

از خانواده‌ها مشمول این توجه می‌شوند. همچنین این نکته مهم است که در کنار خانواده‌هایی که در بالا اشاره شد، خانواده‌هایی هم هستند که به دلیل فوت سرپرست خانوار (نان‌آوران خانواده‌ها)، آئیند برایشان سراسر نااطمنیاتی و نگرانی است. بنابراین برای ارائه حمایت‌های اجتماعی از این خانواده‌ها هم باید سیاست‌های مناسبی اتخاذ شود. شناسایی به‌موقع این افراد و تسهیل دسترسی این خانواده‌ها به استفاده از حمایت‌های اجتماعی می‌بایست در دستور کار دولت قرار گیرد و تکالیف مشخصی را برای سازمان‌های مرتبط حوزه اجتماعی تعیین کند تا کمی در کاستن از نگرانی این بازماندگان کام برداشته شود. فکر می‌کنم نااطمنیاتی و ناامیدی و نداشتن چتر حمایت اجتماعی، آئینده تاریکی را برای این افراد ایجاد می‌کند و می‌تواند بر فشارهای وارده بر آنها بیفزاید. با توجه به آمارهای ارائه‌شده توسط معاون کل وزارت بهداشت مبنی‌بر اینکه افراد فقیر بیشتر به این ویروس مبتلا شدند، طبیعتاً در میان فوت‌شدگان هم احتمالاً همین شرایط مشابه را داشته باشیم به‌گونه‌ای که فقرا بیشتر فوت کرده باشند، این توجه دولت (معتقدم وظیفه دولت است و نباید منتی هم بر کسی گذاشته شود) می‌تواند امیدواری را در این خانواده‌ها افزایش دهد، به همین دلیل باید تدابیری برای شناسایی این خانواده‌ها به کار گرفته شود تا از آنها حمایت اجتماعی صورت بگیرد. ستاد ملی کرونا هم باید از این مسئله حمایت کند تا اگر قرار شد برای این خانواده‌ها کاری انجام شود، فرایند ارائه خدمات به آنها تسهیل شود.

فراموش نشود که این مسئله به استحکام حکومت‌ها کمک می‌کند و در بالابردن سرمایه اجتماعی آنها هم تأثیر چشمگیری دارد. معتقدم با توجه به تجربه و دانش مسدکاران اجتماعی، آنها بهترین گزینه برای شناسایی این افراد و برنامه‌ریزی برای حمایت از این خانواده‌ها هستند.

پیشخوان

درباره اهمیت استفاده روزنامه‌نگاران از کتاب «غلط نویسیم» ابوالحسن نجفی و دیگری درباره دایره کوچک واژگان روزنامه‌نگاران ایران.

در یکی از مطالب این شماره بازخورد، پیشنهاد نظارت عمومی فراگیر در دوران نظارت‌های دیجیتالی مطرح شده و نگاهی هم به یرت براون،

روزنامه‌نگار و افشاگر آمریکایی، انداخته شده است. مرور سیرال‌های مطرح سال گذشته و معرفی چند کتاب حوزه ارتباطات به زبان انگلیسی نیز از دیگر بخش‌های بازخورد سیزدهم است.



در این شماره بازخورد، یکی از روزنامه‌نگاران افغانستانی مقیم ایران گزارشی از نظام رسانه‌ای افغانستان و آزادی رسانه در آنجا نوشته و در همین شماره گزارشی نیز درباره فرایند خریدوفروش کاربران و فالوئرهای جعلی در ایران به چاپ رسیده است.

در ایامی که کرونا عالم‌گیر شده است، بازخورد ۱۳ هم گزارشی دارد از تأثیری که کرونا روی رسانه‌های ایران، به‌ویژه مطبوعات، گذاشته است. دو مطلب نیز درباره نگارش متون رسانه‌ای در این شماره منتشر شده است؛ مطلبی

## سیدحسن موسوی‌چک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران



یکی از انتظارات مردم در تمامی جوامع از دولت‌ها این است که در همه شرایط برای «به‌زیستن اجتماعی» مردم از هیچ کوششی دریغ نکنند. این انتظار در شرایط بحرانی به مراتب بیشتر است. حال که بحران ویروس کرونا سبب شده در یک محدوده زمانی کم افراد زیادی به دلیل ابتلا به این ویروس فوت کنند، انتظار از دولت‌ها برای توجه مناسب به خانواده‌های این‌افرد بیش از پیش می‌شود. معتقدم خانواده‌های این افراد به دلیل از دست‌دادن عزیزانشان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نباید مورد غفلت قرار گیرند. این روزها که همه توجه‌ها بر کنتد شیوع این ویروس است، اما هرروزه تعداد زیادی از هم‌وطنانمان به دلیل کرونا جان خود را از دست می‌دهند. توضیح این نکته را اینجا ضروری می‌دانم که بسیاری از افرادی که به دنبال این شرایط فوت کرده‌اند در بروز این بحران هیچ نقشی نداشته‌اند، بنابراین این وظیفه همه دولت‌ها در همه جوامع است که در مواقع بروز چنین بحران‌هایی به بهترین شکل ممکن، از مردم کشورشان حمایت کنند. بنابراین از دولت ایران هم انتظار می‌رود از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نکند. خانواده‌هایی که به دلیل ویژگی این ویروس نتوانستند فرایند سوگ را به درستی طی کنند و متناسب با فرهنگ کشور عزیزمان مراسم ختم و بزرگداشت برای آنان برگزار نشده است تا مردم در تسلی خاطرشان در کنارشان باشند، نیازمند توجه هستند. موضوع فرهنگ سوگ یا طبی‌کردن دوران سوگ موضوعی است که در پذیرش موضوع مرگ در بازماندگان بسیار تأثیرگذار است، ولی در این بیماری به توصیه‌های

بازخورد

پیرونده اصلی شماره ۱۳ مجله «بازخورد» درباره پروپاگانداست. از شرق تا غرب عالم، پروپاگاندا را می‌توان در جنبه‌های مختلف سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولت‌ها دید. آخرین شماره مجله بازخورد ریشه‌های تاریخی پروپاگاندا را کاویبده و اینکه در عصر دیجیتال، پروپاگاندا به کار خود ادامه می‌دهد. موضوع پرورنده دیگری که در بازخورد سیزدهم منتشر شده حکمرانی اینترنت است. این پرزده درپی این است که بدانند اینترنت واقعا در دستان کیست. گزارشی آماری نیز از قطعی‌های اینترنت جهان در سال ۲۰۱۹ در این پرورنده آمده است.